



اندیشه



قسمت سوم

نیره اعظم شیخ موسی  
کارشناس ارشد، علوم قرآنی

### نکات مثبت

۱. تلاش فراوان و سخت کوشی

در صفحه‌ی ۴ کتاب «در آستانه‌ی قرآن»<sup>۱</sup>، ترجمه‌ی رامیار آمده است: «بلاش برای درک کامل تر از قرآن، حتی به لهجه‌های بدوی مکه و مدینه

### نکات مثبت و منفی در آرای خاورشناسان

مستشرقان بسیاری در مورد قرآن و اسلام بررسی و تتبع کرده‌اند و هر کدام به فراخور درک خود مطالبی نوشته‌اند. در کار آن‌ها چند جنبه‌ی مثبت و منفی وجود دارد.

نیز تسلط پیدا کرد. این تسلط رنج و تلاش فراوانی را می‌طلبد.

## ۲. تحقیق روشمند

روش صحیح تحقیق باعث پیشرفت آن‌ها شد و بعدها مسلمین این روش را از آن‌ها آموختند.

## ۳. مطالعات تخصصی در هر مورد

جزئی کردن و تقسیمات مطالب مورد تحقیق، از ثمرات کار آن‌ها بوده است.

## ۴. کار مستمر

برای مثال، باید به نگارش «تاریخ قرآن» نولدکه اشاره کرد که بیش از ۸۰ سال طول کشید و سه نسل روی آن کار کردند.

## ۵. احیای کتب قدیمی اسلامی و تصحیح آن‌ها

باید به احیای بسیاری از نسخ خطی اسلامی که در حال از بین رفتن بودند و به همت مستشرقان، از گوشه و کنار جهان اسلام جمع‌آوری و چاپ شدند، اشاره کرد. کار آرتور جفری نمونه‌ای در این زمینه است. او در واقع کتاب ابن ابی داود را دوباره احیا کرد.

از دیگر کارهای مهم آنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های گوناگون، تصحیح متون اسلامی و طبع نسخه‌های مصحح» [الاستشراق و الخلیفه الفکریه: ۷۳-۸۱].
- گردآوری معجم‌های موضوعی قرآن.
- تألیف دائرةالمعارف‌های بزرگ درباره‌ی اسلام و نگارش مدخل‌های خاص درباره‌ی قرآن] [درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن: ۴۷].

## نکات منفی

مستشرقان در تحقیقات خود اشکالات فراوانی دارند و نتایج این تحقیقات با دیدگاه‌های مسلمانان اختلاف دارد. برخی از محققان تصریح کرده‌اند، مهم‌ترین مشکلات به قرار زیر است:

## ۱. داشتن پیش‌فرض‌های ذهنی

«اسلام‌شناسی و به‌طور خاص، قرآن‌پژوهی، در هر جای اروپا و آمریکا مطالعه‌شود، با رویکرد برون‌دینی است». به عبارت دیگر، در بررسی هر موضوعی، مطالعه‌کنندگان دو دسته‌اند:

- یک دسته نگاه درون‌دینی<sup>۱</sup> دارند؛ با پیش‌فرض‌ها و مبانی دینی به سازه‌ها و مؤلفه‌های بخش‌های دینی می‌نگرند.
- دسته‌ی دوم نگاه برون‌دینی<sup>۲</sup> دارند؛ یعنی با پیش‌فرض‌ها و مبانی عقلی محض به اجزا و سازه‌های دین می‌نگرند [قرآن‌پژوهشی در غرب: ۵۱-۵۴].

خاورشناسان به‌طور عام از گروه دوم هستند. آن‌ها به دلیل پیش‌فرض‌هایی که از اسلام در ذهن دارند، با توجه به سال‌های دراز تبلیغات کلیسا، بسیار مشکل می‌توانند از اسلام برداشت درست داشته باشند. یعنی تأثیر هرمنوتیکی را نمی‌توان از محیط، فرهنگ و

آموزه‌های آنان جدا کرد. به قول پست مدرنیسم‌ها، بیرون کشیدن محقق از دایره‌ی تحقیق محال است و پیشینه‌ی ذهنی، ولو ناخودآگاه تأثیر می‌گذارد. آن‌ها به دلیل نداشتن شناخت کافی، اتهامات زیادی به اسلام وارد می‌کنند. این افراد به پیامبری حضرت محمد(ص) اعتقاد ندارند و قرآن را کلام الهی نمی‌دانند [المستشرقون و الاسلام: ۱۲-۲۲].

کتاب «تاریخ اسلام» که در دانشگاه کمبریج انگلستان به چاپ رسیده، نظرات خصمانه‌ی گروه زیادی از دانشمندان غربی را در مورد اسلام، نتیجه‌ی کینه‌ی صلیبی دانسته و آن را علت عدم درک صحیح از اسلام ذکر کرده است. در صفحه‌ی ۶۴ این کتاب می‌خوانیم: «گروهی از مردم مغرب‌زمین هنوز تحت تأثیر پیش‌داوری‌های گذشتگان قرون وسطایی خود

## اسلام‌شناسی و به‌طور خاص، قرآن‌پژوهی، در هر جای اروپا و آمریکا مطالعه‌شود، با رویکرد برون‌دینی است

هستند و از مشکلاتی که از جنگ‌های صلیبی بر اجدادشان وارد شده، خلاص نشده‌اند. در نتیجه مسلمانان و پیامبرشان را تندیس از بدی‌ها می‌دانند. ادامه‌ی این تبلیغ‌ها نیز ذهنیت بدی از مسلمانان برای ایشان به‌وجود آورده است.»

## ۲. مراجعه به مطلق منابع اسلامی

گروه دیگری که در این اواخر خواسته‌اند تحقیق علمی و بی‌طرفانه انجام دهند، به سبب استفاده از هرگونه حدیث، بدون توجه به سند اعتبار آن، دچار اشتباهات فراوانی شده‌اند. ایشان به هر حدیثی اعم از ضعیف، مرسل و غیره، تکیه می‌کنند. برای مثال، باید از رساله‌ی «المبانی فی نظم المعانی» نام برد که نویسنده‌ی آن یکی از علمای کشور مغرب است و نام آن معلوم نیست؛ زیرا صفحه‌ی اول آن وجود ندارد. این رساله تنها نسخه‌ی خطی موجود است که در مخزن کتاب‌خانه‌ی «لیدن» در هلند نگه‌داری می‌شود و تاکنون نسخه‌های دیگری از آن در جهان اسلام پیدا نشده است. نولدکه، خاورشناس بزرگ آلمانی، در کتاب «تاریخ قرآن» خود بهره‌ی فراوان از آن برده است [التفسیر و المفسرون، ج ۲].

## ۳. تقدم نقد متنی روایات بر نقد سندی آن‌ها

برای مستشرقان مهم است که کدام سند قدیمی‌تر است و متن حدیث بیش از سند آن اعتبار دارد. برای مثال، «تفسیر طبری» با تفسیر ابن کثیر دمشقی از نظر اهمیت در یک ردیف قرار دارند. در صورتی که تفسیر طبری بر از روایات ضعیف و اسرائیلیات است [پیشین] و «تفسیر القرآن العظیم»

این کثیر تا حد زیادی اصلاح شده است [مقدمه‌ی تفسیر ابن کثیر، ج ۱: ۲۳].

برای خاورشناسان غربی، متن ارزش دارد و نه سند متن، و این موضوع زمینه‌ی اختلاف تحقیقات اسلامی و مستشرقین غربی شده است.

#### ۴. برداشت نادرست از آیات و روایات

چون خاورشناسان با ادبیات عرب آشنایی درستی ندارند و فرهنگ اسلام و قرآن را به خوبی نمی‌شناسند، از آیات قرآن برداشت‌های ناصحیح می‌کنند. از جمله‌ی این مسائل، برداشت اشتباه از کلمه‌ی «امی» است که معنای دیگری غیر از اصل کلمه برای آن دارند. نولدکه و اسپرنگر معتقدند که پیامبر (ص) با خواندن و نوشتن آشنا بود. مستشرق دیگری به نام پارت، با توضیح مفصلی در این مورد، معنای ناخوانا و نانویسا را

### باید به احیای بسیاری از نسخ خطی اسلامی که در حال از بین رفتن بودند و به همت مستشرقان، از گوشه و کنار جهان اسلام جمع‌آوری و چاپ شدند، اشاره کرد

برای کلمه‌ی امی درست نمی‌داند. [درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن: ۵۵]. از این گونه برداشت‌ها که به دلیل ناتوانی خاورشناسان از درک بعضی الفاظ قرآن ایجاد شده است، فراوان در نوشته‌های ایشان پیدا می‌شود [الابعاد الفنیة لترجمه القرآن الکریم و مشکلاتها: ۱۴۲].

#### ۵. بی‌توجهی به منابع شیعی

آن‌ها غالباً منابع سنی را اصل قرار می‌دهند. برای مثال در حدیثی از قول عایشه مطرح می‌شود [الناسخ و المنسوخ فی القرآن: ۱۰] که زمانی پیامبر (ص) از جایی عبور می‌کرد، صدای قاری قرآن را شنید و فرمود: «خدای رحمت کند او را، زیرا من این قسمت را فراموش کرده بودم!» شیعیان این حدیث را قبول ندارند، زیرا پیامبر (ص) قرآن را فراموش نمی‌کرد. آیه‌ی قرآن در این مورد می‌فرماید: «سَنُقَرِّئُكَ فَلَاتَنْسَى» [اعلیٰ / ۶]. وقتی مسلمانی چون همسر پیامبر (ص) از نسیان آن حضرت بگوید، دیگر چه انتظاری از خاورشناسان داریم که نگویند از کجا معلوم مطالب دیگر قرآن جابه‌جا یا فراموش نشده باشند؟ تشکیک‌های فراوان دیگری، ریشه در احادیث مانند این دارند. بنابراین، خاورشناسان باید به مطالب همه‌ی فرق اسلامی، از جمله شیعیان توجه کنند.

#### نظر چند خاورشناس درباره‌ی اسلام و قرآن

با یک بررسی کوتاه روشن می‌شود، در عصر حاضر گروه بسیاری درباره‌ی اسلام و به طور خاص قرآن مجید پژوهش کرده‌اند که حاصل

آن، صدها کتاب و هزاران مقاله است.<sup>۳</sup> در این رساله مقرر است که آرای سه مستشرق به نام‌های نولدکه، بلاشر و گلدزیهر، خصوصاً در موضوع جمع و تدوین قرآن بررسی شود. لیکن بی‌مناسبت نیست برای آشنایی با فضای پژوهش‌های قرآنی، به ویژه درک نقطه‌نظرات آن‌ها در مورد فرهنگ و عقاید اسلامی، ابتدا به طور خلاصه با پنج تن از آنان آشنایی اجمالی پیدا کنیم و سپس به طور تفصیلی به موضوع اصلی بپردازیم.

#### ۱. پتروشفسکی

یکی از خاورشناسان که درباره‌ی ایران و اسلام چندین کتاب نوشته است، ایلیا پاولویچ پتروشفسکی است. او در سال ۱۸۹۸ میلادی در شهر «کی‌یف» به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجات بالاطی کرد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را درباره‌ی «تاریخ مناسبات فتودالی آذربایجان و ارمنستان از قرن ۱۶ تا قرن ۱۹ میلادی» نوشت. آثاری چند درباره‌ی اسلام و ایران از او به جای مانده است؛ از جمله:

##### ● اسلام در ایران

● کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول: در این کتاب از کشتار مغول در حمله به ایران و به دنبال آن، از مسلمان شدن غازان خان و کارهای مثبت او بعد از مسلمان شدنش سخن رفته است.

##### ● نهضت سرداران خراسان

##### ● تاریخ بردگی در خلافت تازیان

##### ● ایران‌شناسی در شوروی

##### ● دولت در عهد ایلخانیان

##### ● تاریخ اسلام [نقد آثار خاورشناسان: ۷۱: ۶۹].

اشکالاتی در نوشته‌های پتروشفسکی درباره‌ی قرآن وجود دارد که به چند مورد آن در کتابش به نام «اسلام در ایران» می‌پردازیم:

۱. در صفحه‌ی ۷۸ می‌نویسد: «اسلام، نام اسکندر مقدونی راهم به فهرست پیامبران عادی (نبی) افزوده است (الاسکندر ذوالقرنین!)» وی ظاهراً قرآن را درست نخوانده است، زیرا که نام «ذوالقرنین» در قرآن آمده است، نه اسکندر مقدونی یا اسکندر ذوالقرنین. مفسران بحثی دارند درباره‌ی این که ذوالقرنین چه کسی بوده است.

گروهی او را کوروش، پادشاه هخامنشی می‌دانند. برخی نیز این نام را نام چند تن از پادشاهان یمن می‌دانند که نامشان با کلمه‌ی «ذو» آغاز می‌شد و آن‌ها را «اذوای یمن» می‌نامیدند. اما این نویسنده بدون دلیل، او را همان اسکندر مقدونی می‌داند و می‌نویسد: «اسلام نام اسکندر مقدونی را به فهرست پیامبران افزوده است.» در حالی که اغلب مفسران، خصوصیتاتی که قرآن از ذوالقرنین بیان می‌کند و او را انسان نیک و نجات‌دهنده‌ی افراد زیر ستم ستمگران می‌دانند [نقد شبهات پیرامون قرآن کریم: ۵۷۴]، منطبق با مشخصات کوروش هخامنشی، پادشاه بزرگ ایران می‌شمرند. دلایل تاریخ نیز همین را تأیید می‌کنند.

اشکال بزرگ دیگر این نویسنده آن است که ادعا می‌کند، اسلام

ذوالقرنین را در شمار انبیا دانسته است! هرچند از وحی خداوند به او سخن گفته شده است، اما از دیدگاه قرآن، وحی به کسی، دلیل نبوت نمی‌شود. چون به مادر موسی و حواریون عیسی هم وحی شد<sup>۴</sup>، اما قرآن مقام پیامبری برای آنان قائل نشده است.

۲. به دلیل ناآگاهی پتروشفسکی از احکام اسلام، در صفحه‌ی ۸۷ از کتاب «اسلام در ایران» می‌نویسد: «حج بر فقیران، ناتوانان و زنان واجب نیست. در صورتی که قرآن در وجوب حج، زنان را از مردان جدا نکرده و به طور کلی فرموده است: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» [آل عمران / ۹۷].

یعنی: «برعهده‌ی مردم است که برای خدا آهنگ آن خانه (کعبه) کنند. هرکس توانایی دارد، رهسپار آن جا شود. هیچ فقیهی هم فتوا نداده است که حج بر زنان واجب نیست.

۳. در صفحه‌ی ۲۰۶ از کتاب «اسلام در ایران» می‌نویسد: «باید توجه کرد که دین اسلام برای مدرک کتبی ارزشی قائل نمی‌شود. در صورتی که آیه‌ی قرآن کریم تصریح کرده است: «إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينِ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ... وَ لَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ. ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَنْ لَا تَرْتَابُوا...» [بقره / ۲۸۲].

یعنی: «چون به یکدیگر تا مدتی معین وام دهید، آن را بنویسید و نویسنده‌ای میان شما موضوع را به درستی بنویسد... و نباید از نوشتن وامتان تا سرآمدش - چه کوچک و چه بزرگ - ملول شوید که این نزد خدا دادگرانه و برای گواهی استوارتر است و برای این که به تردید دچار نشوید، بهتر است...»

۴. در صفحه‌ی ۱۷۵ از کتاب مزبور می‌نویسد: «فقه اسلامی اساس استواری در حقوق جزایی پدید نیاورده و چون بر اصول دینی مبتنی است، مفاهیم جنایت، معصیت و گناه را درهم کرده است. طبق فقه اسلام، فرد موضوع حقوق نیست، بلکه خانواده است، و قتل، جنایتی علیه جامعه شناخته نشده است، بلکه بزهی محسوب می‌شود که بر ضد خاندان مقتول صورت گرفته است!»

در پاسخ باید گفت: اگر پتروشفسکی قرآن را با تأمل بیش‌تر می‌خواند، متوجه می‌شد که کیفری را که دین اسلام برای مجرم تعیین کرده است، باعث آموزش او نمی‌شود. همین مطلب نشان‌دهنده‌ی آن است که معنی معصیت و گناه، با جنایت (به معنای حقوقی آن) تفاوت دارد.

دلیل این موضوع در قرآن کریم آمده است و در مورد مجازات دزد می‌گوید: اگر بعد از مجازات توبه کرد، خدا او را می‌آمرزد [مائده / ۳۸ و ۳۹]. یعنی فقط توبه است که انسان خلافکار را پاک می‌کند. گناه ریشه در دل انسان دارد. چنان‌که اگر گناهی از راه اشتباه انجام شد و به مرگ کسی انجامید، قرآن آن را قتل خطا می‌نامد و مسائل خاص خود را دارد. در صورتی که در قتل عمد، هم خانواده‌ی مقتول آزار می‌بیند و هم جامعه و به این دلیل، قرآن به روشنی می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» [مائده / ۳۲]. یعنی: هر کس دیگری را بکشد، بدون این که او کسی را کشته باشد یا فساد در زمین کرده باشد، مثل این است که همه‌ی مردم را کشته است.

بر همین اساس، قصاص فقط برای تسکین خانواده‌ی مقتول نیست، بلکه برای حمایت از حیات جامعه است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ...» [بقره / ۱۷۹]. یعنی: ای خردمندان، قصاص مایه‌ی پایداری زندگی شماست.

معلومات پتروشفسکی درباره‌ی تاریخ اسلام هم بسیار ضعیف است. او در صفحه‌ی ۳۵ کتاب یاد شده نوشته است: «شخص ابوسفیان از دشمنی با محمد سرباز زد و حتی دخترش را به زنی به وی داد.» این در حالی است که همه‌ی تاریخ‌نویسان متفق‌اند، ام حبیبیه،

### به دلیل ناآگاهی پتروشفسکی از احکام اسلام، در صفحه‌ی ۸۷ از کتاب «اسلام در ایران» می‌نویسد: «حج بر فقیران، ناتوانان و زنان واجب نیست.»

دختر ابوسفیان، پیش از آن که پدرش از دشمنی با پیامبر (ص) دست بردارد، خود مسلمان شد و با پیامبر ازدواج کرد [تاریخ طبری، ج ۳: ۱۶۵].

درباره‌ی جریان عاشورا می‌نویسد: «... و مسلم پیش از رسیدن به کوفه هلاک شد.» در صورتی که مسلم بن عقیل در شهر کوفه دستگیر شد و در همان جا به شهادت رسید. این نظر همه‌ی تاریخ‌نویسان است [تاریخ طبری، ج ۵: ۳۵۰].

جالب است که این چند مورد به اضافه‌ی چند مورد دیگر که به خاطر اطاله‌ی کلام از آن‌ها صرف نظر شد، از یک کتاب این مستشرق بزرگ روسی است که حکم استاد خاورشناسان این سرزمین را دارد.

پی‌نوشت

1. Insider

2. Outsider

۳. برای اطلاع از حجم تألیفات قرآنی مراجعه کنید به: فهرست کتاب‌های علوم و معارف قرآنی چاپ شده به زبان‌های لاتین در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱، انتشارات مبین، ۱۳۸۰ هـ. ش. تنظیم دبیرخانه‌ی نهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم.

۴. سوره‌ی القصص، آیه‌ی ۷: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ...» هم چنین سوره‌ی المائده و آیه‌ی ۱۱۱: «وَأَوْحَيْنَا إِلَى الْحَوَارِيِّينَ.»